

خدایی خصال

نخستی بر سیره و روش پیامبر اعظم صلوات الله علیه و آله

کتابچه مصغیر

مطرح حرره طلیمه و مشاور حرره و دانشگانه

بخش اول :

مقدمه

قطره چگونه حکایت اقیانوس کند؟ و نایبنا چگونه وصف زیبایی کند؟ و شب چگونه فجر صادق را توصیف کند؟ انسانی و مطالعات فرهنگی مطالعه تاریخ زندگی مردمان بزرگ و با شخصیت ، مردمانی که از طرف خداوند برای هدایت بشریت و به کمال رساندن آنان ، به این زمین خاکی پا نهادند و اسوه و الگوی زمینیان و آسمانیان شدند ، بهترین راه رسیدن به تمدن و کمال است .

از میان این مردان بزرگ، هیچ یک به اندازه ی محمد ﷺ پیامبر اعظم اسلام، زندگی پرتلاطم و درس آموز نداشته اند.

رسول الله ﷺ با کوشش و تلاش بسیار ، به سرعت توانست در محیط منحط عربستان، افکار سازنده خویش را حاکم کند و به سرعت این تلاش در سرتاسر



جهان به ثمر نشست.

محمد ﷺ آمد و شکوه بشری را به ارمغان آورد تا تبلور حقیقتی باشد که همه تاریخ نویسان شرق و غرب، الهی و مادی، به استثنایی بودن آن اعتراف کنند.

شخصیت پیامبر ﷺ چنان با عظمت است که زندگی اش از تولد تا پس از حیات قابل پند و بهره مندی است. مطالعه و پژوهش راجع به زندگی چنین شخصیتی، بسیار ارزشمند و پربهره است.

اگر بخواهیم راه کمال را طی کنیم و به فرزندانمان بیاموزیم، حتماً باید خوشه چین خرمن زندگی محمدی ﷺ باشیم.

شخصیت هر فرد را بیشتر از دو راه «حرف و رفتار» می توان شناخت، برآیند تا قطره ای از این بی کران وجود را بنوشیم و به همان اندازه از تشنگی مان بکاهیم و بهره مند شویم.

❁ در آمد:

خداوند در سوره جمعه^(۱) هدف بعثت را در سه امر خلاصه کرده است: یکی هدف مقدماتی و آن «تلاوت آیات الهی» است و دیگری اهداف نهایی، یعنی «تهذیب و تزکیه نفس» و «تعلیم کتاب و حکمت». پیامبر ﷺ با شعار علم و دانش و اخلاق و عمل، پرورش دهنده ی انسان های خاکی است تا آنان را افلاکی کرده و مسیر الی الله را هموار نماید تا آدمیان به مقام قرب او نایل شوند.

در سوره انعام^(۲) خداوند باید و نبایدهایی را که به خاطر آن پیامبری بزرگ را مبعوث کرد، بیان کرده است و شاید بتوان گفت منشور اولیه اهداف بعثت در این آیات خلاصه شده است:

- ۱- از بین بردن شرک و بت پرستی^(۳).
- ۲- احسان و نیکویی به پدر و مادر^(۴).
- ۳- حرام و منفور بودن فرزند کشی، به منظور ترس از فقر^(۵).
- ۴- دور کردن بشر از کارهای زشت و پاک کردن آنها از پلیدی های پنهان و آشکار^(۶).

- ۵- تحریم آدم کشی به ناحق^(۷).
- ۶- عدم خیانت به مال یتیم^(۸).
- ۷- عدالت اساس آیین اسلام و کم فروشی حرام است^(۹).
- ۸- مکلف کردن مردم در اندازه ی توانایی خویش^(۱۰).
- ۹- زبان و گفتارهای انسان که آینه ی تمام نمای شخصیت اوست، باید در راه کمک به حق و حقیقت به کار افتد و جز راست نگوید، اگر چه به ضرر او باشد^(۱۱).
- ۱۰- به پیمان هایی که با خدا بسته اید، وفا کنید^(۱۲).
- پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در محیطی مبعوث شدند که جهل و خرافه اساس زندگی آنان را تشکیل می داد و دانشمندان جامعه شناس بر این باورند که بیشتر آسیب های اجتماعی از جهل و نادانی و تعصب بر آن است. و این موضوع در جامعه عربستان به وضوح دیده می شد.
- امام علی علیه السلام درباره اوضاع عربستان قبل از بعثت می فرماید :
- «خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله را هنگامی مبعوث فرمود که مردم در حیرت و سرگردانی بودند، در فتنه ها به سر می بردند ، هوی و هوس بر آنها چیره شده بود و خود بزرگ بینی و تکبر، به لغزش های فراوانشان کشانده بود نادانی جاهلیت پست و خوارشان کرده و در امور زندگی حیران و سرگردان بودند و بلای جهل و نادانی ها دامنگیر شان بود.»^(۱۲)
- و در جای دیگر می فرماید : «خداوند رسول الله صلی الله علیه و آله را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیش، مدت ها گذشته بود و ملت ها در خواب عمیقی فرو خفته بودند .
- فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ همه جا زبانه می کشید و دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود . برگ های درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه ی آن خبری نبود. آب حیات خشکیده و نشانه های هدایت کهنه و ویران شده بود .
- پرچم های هلاکت و گمراهی آشکار دنیا ، با قیافه زشتی به مردم می نگریست و با چهره ای عبوس و غم آلود با اهل دنیا روبرو می گشت. میوه ی درخت دنیا در

جاهلیت ، فتنه و خوراکش مردار بود، در درونش وحشت و اضطراب و بر بیرون، شمشیرهای ستم حکومت داشت.»^(۱۴)

حال در محیطی این گونه که وصف شد، مردی قصد انقلاب دینی، فرهنگی دارد و می خواهد این انسان حقیر شده را به اوج کمال و شکوفایی برساند. چه مسؤولیت خطیری!

چگونه می شود این جامعه تا به این حد منحط را زیر و رو کرد و پرورش داد؟ او با نیرویی خدایی و اطمینان قلبی به پروردگارش و عزمی استوار و دریایی حکمت، پالایش را آغاز کرد و در این راه با تحمل رنج های بسیار، موفق ترین رهبران جهان شد .

همان گونه که اشاره کردیم ، برای بهره مند شدن از اخلاق محمدی صلی الله علیه و آله که قرآن از آن به خلق عظیم یاد کرده است : ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^(۱۵) باید به روش و رفتار و سخنان او پی ببریم و سیره ی اخلاقی و رفتار فردی و اجتماعی ایشان را بشناسیم، علمای علم اخلاق ، اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله را به دو بخش: «شخصی و فردی» و «حکومتی»، تقسیم کرده اند.^(۱۶)

❁ تنوع چشمگیر :

فراوانی سخن در مورد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چشمگیر است ، اما یک سری مربوط به سیمای ایشان در قرآن است که مباحث مختلفی مطرح شده است. و یک سری مباحث مربوط به سیره و روش زندگی ایشان است که در موضوعات مختلف قابل بحث است.

اول سیمای ظاهری حضرت و اخلاق شخصی و مربوط به خود ایشان نظیر: شکل ظاهری ایشان، آراستگی، رعایت بهداشت فردی، دهان و دندان، بدن و محیط، نحوه ی لباس پوشیدن ، راه رفتن ، لبخند زدن، خوردن، خوابیدن، سفرکردن، خوش بویی و نیز سجایای اخلاقی ایشان مانند: راستگویی، عدالت ورزی، حق گرایی، حیا، پوزش پذیری، فروتنی، عفو و گذشت، خوش خلقی، خاموشی، بزرگواری، شادابی و نشاط، تشویق ، ادب ورزی و نیز امور فعالیت های

اقتصادی مانند: آداب، تجارت، دامداری، کشاورزی، کار، کیفیت مداری و استفاده از لذت های مباح تفریحی، مسابقات ورزشی، اهمیت زیبایی و مدیر و مدبر بودن ایشان نظم در امور، مدیریت زمان، میانه روی در کارها، نامگذاری اشیاء، حفظ آمادگی نظامی و دفاعی، صلح طلبی و ...

و در مورد آداب برخورد با دیگران و خدمات اجتماعی، سخن گفتن، قانون مداری، گشاده دستی، گشاده رویی، مشورت پذیری، هدیه دادن و هدیه پذیرفتن، همزیستی با اسیران، بردگان، اقلیت های مذهبی، مردم عامی، جوانان، کودکان، کهنسالان، حضور در صحنه های اجتماعی، احترام به احساسات سالم، نوع برخورد با بیماران، آقایان، بانوان، خانواده، بیوه گان، همسر، فرزندان، خدمتکاران، خویشاوندان، میهمانان، همسایگان، مزدبگیران و نیز دیدگاه و برخورد ایشان نسبت به حیوانات، طبیعت، درخت، باغ، گل، مراکز عمومی مثل چاه، چشمه، قناعت، جاده، راه و مباحث متعددی که در طول حیات ایشان می درخشند و می توان در مورد آنها مطالعه کرد و مقتدای رفتار خویش ساخت. در این مقاله، به حد بضاعت و مجال برآنیم رفتار اجتماعی ایشان را بررسی نماییم و با نقل روایات معتبر، سیمای حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را بیشتر بشناسیم.

۱- در اندیشه ی مدام نیاز اهل نیاز:

انسان ها موجودات اجتماعی آفریده شده اند و همه وابسته به یکدیگرند. در خانواده گروه، محله، شهر، کشور و ملت ها خلاصه شده اند. همیشه در حال امتحان الهی هستند. و پیوسته برای بهتر شدن و ترقی، تلاش می کنند. نفس مطمئنه آنان با لوازمه در ستیز است و اگر درس آموز مکتب الهی باشد در این مبارزه پیروز می شود. آدمی در این بازار دنیا نمی تواند فقط خودش را ببیند، باید چشم باز کند و دیگران را به حساب آورد، خداوند نیاز مردمان را به دست همدیگر مرتفع می کند و همه تعالیم اسلام بر همین هدف استوار است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خداوند بندگانی دارد که آنان را برای رفع نیاز مردم آفریده است. مردمان به آنها پناه می آورند و آنان در روز رستاخیز از عذاب خداوند، در امان اند.»^(۱۷)
و نیز فرمودند: «کسی که بشنود فردی فریاد می زند: ای مسلمانان! و پاسخش را ندهد مسلمان نیست.»^(۱۸)

در زندگی اجتماعی هر کسی نسبت به توانایی خود می تواند نیاز دیگران را بر طرف نماید و حتی اگر سنگی را از سر راه بردارد، تا مردم با آسودگی طی طریق کنند، برایش پاداش در نظر گرفته می شود.

پیامبر ﷺ فرمودند: «اینکه من دوست دین باور خویش را برای انجام کاری یاری کنم، برایم از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام محبوب تر است.»^(۱۹)
عایشه همسر پیامبر ﷺ می گوید:

«پیامبر ﷺ پاسخ نیکی را با نیکی و پاسخ بدی را نیز را با نیکی می دادند.»
پیامبر رحمت ﷺ با حوصله بسیار، اشتباه دیگران را اصلاح می کرد و رفع نیاز مردم را بر حاجت خود ترجیح می داد. و این روش را به خانواده خود و فرزندش حضرت زهرا (ع) آموخت.

پیامبر از همه کس مهربان تر و دلسوزتر به مردم بود. خود می فرمودند: «من برای شما مانند پدر برای فرزند خود است.» با مردم انس می گرفت و بی دلیل آنان را از خویش نمی راند^(۲۰). در مسایل شخصی از بسیاری موارد چشم پوشی می کرد و می فرمود: «خدایم به من فرمان داد با مردم مدارا کنم، همچنان که به انجام واجبات فرمان داده است.»

پیامبر مهربان ترین، سودمندترین و بهترین کس برای مردمان بود.

۲- سلوک کرامت آمیز، با توده ها:

روابط اجتماعی و رفت و آمد با یکدیگر جزء لاینفک زندگی انسان هاست، بسیاری از ما پس از گذشت سال های عمرمان هنوز نمی توانیم با هم نوعان خود به خوبی، ارتباط برقرار کنیم، اگر از دید روان شناختی به موضوع هم نشینی نگاه کنیم در می یابیم که پیوند قلب ها در نحوه برخورد افراد حاصل می شود.

در همین مجالست هاست که می توانیم شخصیت خود را بروز دهیم و دیگران را

به خوبی بشناسیم و نیز نیازمندی‌های روحی، عاطفی، معنوی و مادی یکدیگر را پاسخ گوئیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه با مردم می نشستند ، تمام اصول روانی را مراعات می کردند، اولاً در کنار آنها یا حتی پایین تر از آنها می نشستند، به حضار سلام می کردند از آنها احوال پرس می نمودند، از غایبین سراغ می گرفتند و اگر می فهمیدند بیمارند یا گرفتاری دارند به دیدارشان می رفتند. با مردم در موضوعی که صحبت می کردند مشارکت می کردند .

در کنز العمال آمده است که : «هرگاه پیامبر با جمعی می نشستند اگر دربارہ ی جهان واپسین یا این جهان ، سخن می گفتند با آنها هم سخن می شدند اگر دربارہ ی غذا یا نوشیدنی حرف می زدند با فروتنی و صمیمیت در صحبت‌شان شرکت می کردند . گاه در حضورشان شعر می خواندند و چیزهایی از دوران جاهلیت نقل می کردند و می خندیدند و ایشان هم لبخند می زد و اگر سخن حرامی نمی گفتند یا عمل حرامی انجامی نمی دادند مانع آنان نمی شد.»^(۲۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله با غنی و فقیر، خرد و کلان به یک چشم نگاه می کرد و می فرمود: «ارزشمندترین انسان ها با تقواترین آنهاست.» در بحار الانوار در مورد اهمیت دادن حضرت به ارزش های واقعی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله با گفتار و رفتارش احترام به کسانی که آئینه ی ارزش ها هستند را ترویج می کرد و می فرمود : «ای مردم! اهل بیت مرا اکنون و پس از مرگ بزرگ شمارید. آنان را محترم دارید و بر دیگران برتری دهید.»^(۲۲) می فرمود: «اگر سه نفر هستید، دو نفرتان با هم بچ بچ نکنند. این کار شما فرد سوم را غمگین می کند.»^(۲۳)

روزی حضرت تنها در مسجد نشسته بود، مردی وارد مسجد شد ، حضرت به خاطر او خود را جا به جا کرد و فرمود: حق مسلمان بر مسلمان آن است که چون خواست بنشیند، دوستش برایش جا باز کند.(هرچند، جا وسیع باشد، زیرا این کار نشان دهنده احترام و محبت او به فرد تازه وارد است.)

۳- نگاه خدایی به کرامت بانوان:

احکام و قوانین الهی اسلام بر پایه تعادل و هماهنگ استوار است. انسان ها هیچ

برتری با یکدیگر ندارند مگر با تقویان آنها، که این درمورد زن و مرد آنهاست. به گفته قرآن همه انسان ها در گرو اعمال خود هستند و همه آنها در امورشان استقلال دارند و نیز همه انسان ها می توانند با تلاش و بندگی خدای یکتا، راه سعادت بیمایند، چه زن و چه مرد.

خداوند همانگونه که آدم را آفرید و از روح خود در او دمید، حوا را نیز آفرید و از روح خود در او دمید. راه صحیح را به آنان آموخت و از بیراهه ها آگاهشان ساخت و آنها را آزاد و مختار قرار داد تا بر اساس عملکردشان با آنان رفتار نماید. پس پیامبران را فرستاد تا هدف خلقت را تبیین نمایند و ملاک ارزش را برای انسان ها (زن و مرد) بیان نمایند و آنها را در راه رشد و تعالی یاری دهند. اما تاریخ نشان می دهد که در جریان زندگی انسان ها برخوردهای متفاوتی با جنس زن و مرد داشته اند. در زمان جاهلیت در مورد انسان بودن زن تردید داشتند و با او مانند وسایل و لوازم زندگی و حیوانات خود، معامله می کردند.

در چنین محیطی که فقط زن وسیله ی پرداخت بدهی، ارث، کام جویی، تولید نسل و ... شمرده می شد، اسلام ممت نهاد و آدمیان را از ضلالت رهانید. پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله قوانین الهی را با رفتار و گفتار خود جاری نمودند و به پیروان خود فرمان به اجرای آن دادند. البته این نکته قابل ذکر است که اسلام زن را آن گونه که هست معرفی کرده و انتظار برخوردار دارد و این گونه که در دنیای امروز با آن برخورد می شود و جهان غرب او را ملعبه ای برای اهداف خود قرار داده است منظور نیست.

زن، انسان است از آن جهت که رشد و تعالی کند نه از آن جهت که در جای مرد قرار گیرد و جایگاه مادرانه خود را فراموش کند و همان شود که فمینیسم امروزی می خواهد. بهتر است دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله را نسبت به زنان بدانیم و در این زمینه تحقیق و مطالعه کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله به بانوان سلام می کرد و آنان پاسخش را می دادند. پیامبر صلی الله علیه و آله به رشد علمی بانوان اهمیت می دادند و در این زمینه توصیه می کردند.

برای احترام، بانوان فرزنداندار و بی فرزندان را به کنیه می نامید.

با زنان در ایام مختلف بیعت می کرد. در روز عید فطر و روز فتح مکه زنان با پیامبر ﷺ بیعت کردند و در عرصه های سیاسی اجتماعی به زنان حق رأی می داد. (این موضوع در سوره ممتحنه آیه ۱۲ آمده است.)

برای بانوان کلاس درس داشتند و از مطالب و حیاتی به آنان می آموختند. می فرمودند: «کسی جز بزرگوار، زنان را گرامی نمی دارد و کسی جز فرومایه به آنان توهین نمی کند.»^(۲۴)

ایشان می فرمودند: «با زنان همان گونه رفتار کنید که قرآن سفارش کرده است؛ حق آنها را بدهید به آنها ظلم نکنید، در ارث حقوقشان را مراعات کنید، آنها را مجبور به کارهای سخت نکنید، معاملات اقتصادی شان از آن خودشان است، فرزندان شان را از آنها دور نکنید حتی در انجام امور منزل آنها را مجبور به انجام آن نکنید.»

۴- همسایه و میهمان در نگاه نبی خاتم ﷺ :

همسایه امید همسایه است. انسان قبل از اینکه به فامیل نزدیک باشد به همسایه نزدیک است. خصوصاً در عصر حاضر که انسان ها فرسنگ ها از خویشان و والدین و فرزندان خود دور افتاده اند. نیاز همسایه در مسایل مادی خلاصه نمی شود، بلکه مسائل روانی و امنیتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. همسایه می تواند آرامش یک جمع یا سبب نگرانی و تشنج آنها را فراهم کند. با توجه به این حساسیت ها است که پیامبر ﷺ می فرمودند: قبل از خرید خانه، همسایه نیک بجویید.

می فرمایند: همواره جبرئیل درباره همسایه سفارش می کرد. تا بدان جا که گمان کردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد. کسی که به پروردگار و روز رستاخیز باور دارد، همسایه اش را نیازارد. نیازردن همسایه را تا آنجا گسترش داد که فرمود: «اگر سگ همسایه ات را بزنی همسایه ات را آزرده ای.» و در جنگ تبوک فرمود: «کسی که همسایه اش را می آزارد، همراه ما نیاید.»

پیامبر ﷺ همسایه یهودی داشت که بیمار شد، و حضرت ، خود به عیادتش رفتند.

ادامه دارد....

پی نوشتها :

- | | |
|------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| ۱) سوره جمعه، ۶۲، ۲۰۱ | ۱۲) وبعهد الله اوفو ذلكم وصالکم به لعلکم تذکرون |
| ۲) سوره انعام، ۱۵۲، ۱۵۱ | ۱۳) دشتی، ترجمه نهج البلاغه، خطبه ۳۳، ص ۶۷ |
| ۳) قل تعالوا اتل ما حرم ... | ۱۴) همان ، خطبه ۸۹، ص ۱۱۵ |
| ۴) وبالوالدین احساناً | ۱۵) قلم، ۶۸، آیه ۴ |
| ۵) ولا تقتلوا اولادکم من اطلاق نحن نرزقکم وایاهم | ۱۶) سیمای معصومین در نگاه رهبری ص ۱۳ |
| ۶) ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها ویا بطن | ۱۷) کنز العمال، ج ۶، ص ۴۴۴ |
| ۷) ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق، ذالکم و | ۱۸) اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴ |
| صاکم به لعلکم تعقلون | ۱۹) کنز العمال، ج ۳، ص ۴۱۵ |
| ۸) ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتي هي احسن حتی | ۲۰) سنن الترمذی، ۱۱۴، ۱۰۴ |
| یبلغ اشده | ۲۱) همان ، ج ۶، ص ۲۶۳، ج ۱۵، ص ۳۷ |
| ۹) وافرُوا الکل والمیزان بالقسط | ۲۲) بحار ج ۳۰، ص ۳۱۳ |
| ۱۰) لا تکلف نفساً الا وسها | ۲۳) همان ج ۲۸، ص ۳۰۰ |
| ۱۱) واذ اقلتم فاعدلو ولو کان ذاقری | ۲۴) نگین هستی |

